

# استقرار حاکمیت ملی هدف جبهه ملی ایران است

نشریه داخلی تهران بیست و هشتم مرداد ماه ۱۳۸۲ خورشیدی شماره ۱۱۸

بنام خداوند جان و خرد

## ۲۸ مرداد، توقف دموکراسی در ایران

### "اگر زندگی توام با استقلال و آزادی نباشد، بقدر پیشیزی ارزش نخواهد داشت."

خودباوری دوباره و حاکمیت بر سرنوشت خویش بود. این هنر مصدق بود، و این هنر مصدق را جاودانه کرد.

اثرات جنبی جنبش ملی ایران، حتی در دوران بیست و پنج ساله حکومت کودتاچیان، آشکار بود. پیمانهای همکاری های اقتصادی ایران با کشورهای خارجی دیگر مانند دوران قاجار، آن چنان تحمیلی نبود. کشورهای خارجی برای فعالیت در ایران بر سر میز مذاکره می نشستند، و اگر آزمندی مسئولان فاسد خودمان نمی بود، مذاکرات می توانست منافع ایران را بخوبی حفظ نماید. با وجود این، قراردادهای سرمایه گذاری خارجی و مشارکت با ایران غالباً ۷۵٪ سهم سود ایران و ۲۵٪ سهم سود خارجی بود، و در قراردادهای خدماتی سهم ایران ۹۰٪ و سهم خارجی فقط ۱۰٪ بود.

پس از انقلاب ۱۳۵۷، با بقدرت رسیدن یک حکومت خودکامه وابسته به یک صنف خاص، و نفی حاکمیت ملی و نادیده انگاشتن اصل مردم سالاری که مردم برای رسیدن به آن انقلاب کرده بودند، و ستیز و طرد کارشناسان و صاحب نظران توانا، همه قرارداد هایی که بسود ایران بود عجولانه و با تعصبی نابخردانه لغو شدند. لغو قراردادهای باعث پرداخت گرامت های سنگین به خارجی ها، که برخی از آنها چند برابر سود احتمالی آنها بود، شد و پیامدهای سیاسی منفی گسترده ای را برای ما به ارمغان آورد که تا به امروز گریبانگیر آن هستیم. موج بی اعتمادی نسبت به ایران در عرصه بین المللی و تداوم یک سیاست ستیزه جویانه نابخردانه و بی هدف، ما را به جایی رسانده که در قراردادهایی که اکنون مواجه با آن هستیم و با تحقیر و تحمیل به آنها تن در می دهیم، بهترینشان ۶۰٪ برای خارجی و ۴۰٪ برای ایران منظور شده است. این کمترین هزینه ایست که ملت ایران بخاطر فقدان یک حکومت مردم سالار، آگاه و توانمند در حال پرداخت است.

حکومت درون نگر و جهان ستیز کنونی را با دولت مردم سالار و جهان نگر مصدق مقایسه کنید که در لایحه ملی شدن نفت در سال ۱۳۳۰، هدف تامین "حقوق حقه ایران و حفظ صلح جهانی" ذکر شده است. از کجا به کجا آمده ایم!

مصدق در برابر اعمال نفوذ و زیاده خواهی ها برخی از این چهره ها به صراحت گفته بود:

"مردم به آزادی رای داده اند، نه به حفظ و حراست از قوانینی که حقوق مسلم مردم را تامین نمی کند."

پنجاه سال مبارزه و تلاش ملت ایران برای بازیابی این آزادی و دموکراسی گمشده، یکبار در بهمن ۱۳۵۷ و بار دیگر در خرداد ۱۳۷۶، با شکست روبرو شد، زیرا هنوز آن صنف قدرت خواه آن زمان که اکنون بر قدرت نشسته، معنای این سخن مصدق را درک نکرده است.

آنچه ابرقدرت های انگلستان و امریکا را در آن زمان مصمم کرد که دولت مردمی مصدق و جبهه ملی را سرنگون کنند، تنها جبران ملی شدن منابع نفت ایران یا انتقام جویی نبود، زیرا با پیدا شدن منابع نفت در دیگر سرزمینهای منطقه و نیز آمادگی ایران برای همکاری و فروش نفت، مشکلی برای تامین انرژی وجود نداشت. خطر کمونیسم هم، به تائید مدارک رسمی افشا شده آن دو دولت، بعلت وجود یک دولت ملی گرا و قدرت گرفتن حزبهای ملی گرا در ایران منتفی بود. ترس دولتهای محافظه کار انگلستان و امریکا از الگو شدن مصدق و گسترش موج ملی گرایی و دموکراسی، و به خطر افتادن منافع آنها در سراسر جهان بود، که ملی شدن کانال سوئز توسط دولت ملی گرای جمال عبدالناصر در مصر، آغاز آن تلقی می شد.

اثر مهم دیگر ملی شدن نفت در ایران و مبارزه مصدق در چارچوب قانونهای بین المللی، این بود که در قطعنامه ۱۹۵۴ سازمان ملل متحد "حق حاکمیت دائمی ملتها بر منابع طبیعی خود" و اینکه ملتها حق دارند به نحو مقتضی از این منابع بهره برداری کنند، گنجانده شد. این هدیه و خدمت یک ایران مردم سالار به همه ملت های جهان بود.

هدف جنبش ملی شدن نفت برهبری دکتر مصدق، هر چند که پیامدهای مثبت اقتصادی را برای ایران در برداشت، برخلاف پندار برخی صاحب نظران کوتاه اندیش که بر آن تنها تحلیل اقتصادی قایل می شوند، اقتصادی نبود. هدف از آن مبارزه هوشمندانه و خردمندانه، بیدار کردن ملت ایران از خواب دویست ساله در برابر حکومت های فردی فاسد و خودکامه، و راهی از فقر ملی، و تحقیر جهانی، و برای ایجاد

تاکنون کدام رئیس دولت یا رئیس جمهوری در ایران، بجز دکتر مصدق که جمله زرین بالا از اوست، اینگونه با پافشاری به آزادی معتقد بوده است؟ حتی رئیس جمهوری کنونی ما هم که به اعتباری بهترینشان بوده، آزادی را در چارچوب یک قفس مکتبی تعریف می کند و می گوید که در درون این چارچوب مردم باید آزاد باشند.

ما پس از گذراندن دوره اصلاحات دوم خردادی، بیش از همیشه به بزرگی روح دکتر مصدق و به عظمت این مرد پی می بریم. پایداری، خردمندی و از خود گذشتگی این مرد جاویدان، که زندگی را فدای دموکراسی و آزادی و قانونمندی کرد در تاریخ معاصر ایران نمونه است. مردی که به آنچه خواست ملت بود عمل می کرد و به رای و اعتماد مردم تاپای جان وفادار بود.

او، پس از صدها سال حکومت فردی در ایران، مردم سالاری را برای مردم به ارمغان آورد. او پس از دو سده خواری و توهین و تحقیر از سوی بیگانگان، با ملی کردن صنعت نفت و بیرون راندن عوامل این تحقیر و خواری، غرور و خودباوری را به ملت ایران بازگرداند، ملت ایران را در جهان سرفراز کرد و عظمت و ژرفای فرهنگ غنی ایران زمین را به جهانیان نشان داد، چرا که همه مبارزه و تلاشهایش برای ملی کردن صنعت نفت، نه با زورگویی و جنگ و ترور و دروغ پراکنی، بلکه از راه های کاملاً قانونی و مدنی، با رای مردم، با احترام به قانون و دادگاههای بین المللی، با مراجعه به افکار عمومی جهان و با مذاکره، و با تضمین ادای خسارت و با دعوت به ادامه همکاری در شرایط برابر انجام پذیرفت. مصدق نشان داد که یک حکومت خردمند و درستکار و میهن پرست می تواند سرسخت ترین و مقتدر ترین دشمنان خارجی را شکست دهد و در عین حال مورد احترام همه جهانیان و محبوب ملت های ستمدیده هم باشد.

کودتای ۲۸ مرداد که بازتاب شکست یک ابرقدرت جهانی بدست یک کشور فقیر و ناتوان، ولی دارای یک مدیریت توانا و خردمند بود، بدون همکاری عوامل خودفروش بومی و دشمنی رهبرانی که خواستهای شخصی خود را مقدم بر منافع ملت و کشور می پنداشتند، امکان پذیر نمی بود.

#### «اعمال شکجه»

حنا روش و سیره حیوانی نیست  
جز عار بشر، ننگ مسلمانی نیست

اعمال شکجه کار انسانی نیست  
این شیوه اهریمنی بد فرجام